

تبیین مؤلفه های معنویت با تأکید بر سیره فاطمی سلام الله علیها

فاطمه بهروزبایاتی^۱

حسین زارعکار^۲

چکیده:

با توجه به شرایط عصر کنونی مسئله معنویت از مباحث مهم جامعه انسانی است و محققان را بر آن داشته تا به تبیین چیستی و شاخصه های این مهم بپردازند. معنویت ترجمه واژه spirituality و درای معانی حقیقت، اصل، باطن و امر روحانی است. این کلمه در اصطلاح دینی به معنی سلوک الی الله به کار رفته است و می توان آن را مساوق واژه ایمان دانست. نوشتار حاضر در صدد تبیین مؤلفه های معنویت با تکیه بر سیره حضرت زهرا سلام الله می باشد که الگویی راستین برای سیره و سبک زندگی معنوی برای بشریت می باشد، این امر با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه ای انجام شده است. در پژوهش حاضر، شاخصه های معنویت در دو محور اساسی زندگی انسان بررسی شد، بر این اساس توحید و خداباوری، تکلیف مداری، مقام شکر و صبر و رضا از جمله مؤلفه های معنویت در ارتباط با خداوند و سخاوت و احسان، ایثار، محبت و مهربانی، خیرخواهی برای دیگران از جمله مؤلفه های معنویت در ارتباط با خلق می باشند. کلید واژه ها: معنویت، مؤلفه های معنویت، سیره فاطمی، حضرت زهرا سلام الله علیها.

مقدمه

انسان موجودی است که علاوه بر بعد مادی و محسوس، دارای وجودی فراتر از طبیعت و ماده است؛ در واقع این بعد معنوی انسان است که به زندگی او معنا می بخشد و با اتکا به این بعد است که انسان با مرگ، حیاتی جاوید می یابد و به سعادت یا شقاوتی ابدی می رسد. بنابراین اهمیت بحث از معنویت در زندگی انسان به اندازه اهمیت بعد روحی و معنوی وجود اوست. با توجه به شرایط جهان امروز و در پی ناکارآمدی و ناتوانی تمدن تک ساحتی غرب در پاسخ به نیازهای چندبعدی انسان، بحث از معنویت پاسخی به سرگردانی بشر امروز خواهد بود. ضرورت پرداختن به این مقوله زمانی آشکارتر می شود که توجه داشته باشیم عدم توجه به بعد معنوی و عدم پرداختن به معنویات در زندگی، انسان را از رشد در مسیر کمال نهایی باز می دارد و هدف غایی از خلقت او حاصل نخواهد شد. در این میان معرفی و تبیین مؤلفه های معنویت با رجوع به سیره گرانبهای اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا سلام الله علیها که اهل بیت ایشان را به عنوان الگوی خود معرفی کرده اند راهی برای رسیدن به راهکارهای زندگی معنوی خواهد بود.

^۱. سطح چهار تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش اسلامی کوثر، fbehroozbayati@gmail.com

^۲. دکتری مدرسی معارف، گرایش تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی و دانش آموخته حوزه علمیه قم، phzarekar2011@gmail.com

ارتباطات انسان در زندگی شامل چهار محور اساسی و شامل ارتباط با خداوند، ارتباط با خلق، ارتباط با نفس و ارتباط با طبیعت و جهان خلقت می‌باشد ولی به دلیل اینکه پرداختن به چهار نوع ارتباط از مقال این نوشتار خارج است، مؤلفه‌های معنویت در سیره حضرت زهرا بر اساس دو محور ارتباط با خدا و ارتباط با خلق مطرح شده‌است.

۱- مفهوم معنویت

۱-۱- **مفهوم لغوی:** معنویت^۱ از ریشه «عَنَى، یعنی» و در مقابل لفظ و ظاهر یک امر به کار می‌رود. (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷۱). در لغت نامه دهخدا ابتدا کلمه معنوی توضیح داده شده و سپس معنای کلمه معنویت به آن ارجاع داده شده- است و ذیل کلمه معنوی چنین آمده است: «منسوب به معنا، مقابل مادی، صوری، ظاهری و لفظی» و از ناظم الاطباء نقل می‌کند که معنوی یعنی حقیقی، اصلی، مطلق و روحانی، جرجانی می‌گوید معنایی است که فقط به وسیله قلب شناخته می‌شود و زبان را بهره‌ای از آن نیست. (دهخدا، ۱۳۷۹ش، ج ۱۳، ص ۱۸۷۱)

۱-۲- **مفهوم اصطلاحی:** معنویت در اصطلاح دارای تعاریف متعددی است، چون از جمله مفاهیم سهل و ممتنع است. به اعتقاد اندیشمندان مسلمان، معنویت همان ارزش‌های اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۷۷)، حقیقت اسلام (مطهری، ۱۳۹۰ش، ج ۲۳، ص ۶۷۹)، غیب و ملکوت (همان، ص ۶۷۱)، سیر و سلوک (همان، ج ۳۴، ص ۵۷) حالات عرفانی (همان، ج ۲۱، ص ۱۶۰) می‌باشد.

بنابراین معنویت عبارت است از اعتقاد و باور به عالم ماوراء طبیعت و در واقع همان توجه به باطن و حقیقت اشیاء است که انسان از طریق قلب بدان آگاه می‌شود و لازمه آن باور به چند لایه‌ای بودن پدیده‌های هستی است. واژه معنویت را می‌توان به نوعی متناظر با واژه ایمان دانست؛ چون در لغت و اصطلاح و آثار و نتایج تقریباً معادل هم هستند، چرا که معنویت و ایمان هر دو امری قلبی، غیرظاهری، معناگرایانه و مایه آرامش و سکونند. از این رو زندگی معنوی در واقع همان زندگی مؤمنانه در فرهنگ دینی است.

مؤلفه: مؤلفه واژه‌ای عربی به معنای مجموع اجزای مختلف است که با هم نوعی پیوند دارند، مراد از مؤلفه‌ها به معنای عام آن، عناصر تشکیل دهنده و به وجودآورنده یک پدیده و یک حرکت است. مؤلفه به معنای شاخصه یک پدیده نیز معرفی می‌شود و ممکن است از زوایای دیگر به عنوان مبانی، عوامل، ابزار و یا ارکان نیز به کار رود. در این مقاله منظور از مؤلفه‌های معنویت، شاخصه‌های معنویت و عناصر سازنده آن می‌باشد.

۲- مؤلفه‌های معنویت

انسان در زندگی خویش ناگزیر از برقراری یک سری روابط می‌باشد، انسان چند نوع رابطه با پیرامون خویش دارد که درک برخی از آنها برای او بسیار واضح و روشن است و برخی دیگر از آنها خیلی واضح نبوده و احتیاج به دقت نظر دارد. این روابط شامل روابط مادی و حسی، رابطه اعتباری و روابط اجتماعی و قراردادی و رابطه معنوی می‌باشد. این روابط را می‌توان در چهار محور کلی تقسیم بندی کرد. امام صادق علیه‌السلام تعامل آدمی در مسیر بندگی و تکامل معنوی و دریافت

^۱. Spirituality

نشان بندگی را در چهار رکن و هر یک از این ارکان را مبتنی بر هفت شرط بنا نموده و می‌فرماید: «اصول المعاملات تقع علی اربعة اوجه؛ معامله الله، معامله النفس، معامله الخلق و معامله الدنیا»؛ «اصول معاملات بر چهار وجه واقع شده است؛ معامله با خدا، معامله با خود، معامله با مردم و معامله با دنیا» (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ص ۵-۶). اما هر یک از این چهار معامله نیز بر هفت رکن استوارند، همان‌طور که امام صادق علیه‌السلام در ادامه حدیث می‌فرماید: «اصول معامله الله هفت چیز است: ادای حق پروردگار، حفظ و مراقبت از حدود الهی، شکر عطایا و نعمت‌های الهی، راضی شدن به قضای او، صبر و شکیبایی در ابتلائاتش، احترام و تعظیم او و شوق و علاقه به او». (همان)

زندگی معنوی انسان از شاخصه‌هایی همچون خدا‌باوری، ایمان به غیب، اعتقاد به معاد و باور به کتب و انبیای الهی برخوردار است، در این نوشتار سعی بر آن است که مؤلفه‌های معنوی با تأکید بر رابطه انسان با خدا و رابطه او با خلق خدا، در سایه سار سیره حضرت زهرا سلام الله علیها، تبیین گردد.

۳- مؤلفه‌های معنویت در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها

محور این نوشتار، تبیین مؤلفه‌های معنویت در زندگی با تأکید بر سیره حضرت زهرا می‌باشد و چه‌الگویی بالاتر از ایشان، چراکه اهل بیت علیهم‌السلام نیز ایشان را به عنوان الگو و اسوه معرفی کرده‌اند، از جمله حضرت ولی عصر فرمودند: «و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة» (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۶۷). با توجه به این که بررسی مؤلفه‌های معنویت در چهار محور ارتباطی با خدا، خلق، نفس و دنیا، خارج از مقال یک مقاله می‌باشد، در این نوشتار مؤلفه‌های معنویت در سیره ایشان در دو محور ارتباط با خدا و ارتباط با خلق بررسی شده است.

۳-۱- مؤلفه‌های معنویت در رابطه با خداوند

رابطه انسان با خداوند گرچه به عنوان رابطه معلول با علت فاعلی آن، رابطه وجودی و تکوینی می‌باشد، اما از آن جا که خدای متعال یک حقیقت نامتناهی فوق ماده و حس و اعتبار است، و از طرفی انسان به دلیل بعد روحی و معنوی دارای خواسته‌های روحی فوق مادی و حسی است، رابطه انسان با خداوند مانند رابطه انسان با پدیده‌های طبیعت و یا روابط اجتماعی نیست، بلکه یک نوع رابطه تشریعی، درونی، باطنی و معنوی است.

مؤلفه‌های معنوی از یک دیدگاه شامل مؤلفه‌های اعتقادی و رفتاری می‌باشد که در رابطه انسان با خداوند متعال، مؤلفه اعتقادی توحید و خدا‌باوری در واقع اصل و اساس مؤلفه‌های رفتاری همچون تکلیف‌مداری، شکر، صبر و مقام رضا خواهد بود.

۳-۱-۱- توحید و خدا‌باوری

اصل اول در ارتباط با خداوند متعال، ادای حق الهی است که در سایه خداشناسی و توحید محقق می‌شود. در روایتی از امام سجاد علیه‌السلام در ابتدای رساله حقوق، بزرگترین حق خداوند، این‌گونه معرفی شده است: «حق الله الاکبر علیک ان تعبده و لا تشکرک به شیئاً»؛ «بزرگترین حق خدا بر تو این است که او را پرستش کنی و به او ذره‌ای شرک نوری» (بابویه،

۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۶۱۸). توحید و خداباوری را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه معنوی دانست؛ چرا که شالوده سایر مؤلفه‌های زندگی معنوی می‌باشد.

این مؤلفه در زندگی و سیره حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به روشنی نمود داشته و بر سراسر زندگی ایشان سایه افکنده‌است؛ حضرت در خطبه فدکیه بعد از حمد و ثنای خداوند، این حقیقت را بیان کرده می‌فرماید: «گواهی می‌دهم به جز الله خدایی نبوده و شریکی برای او نیست، تفسیر این گواهی و شهادت، اخلاص است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۹۱)، در ادامه، توحید را با دانش‌های عقلی همسو دانسته می‌فرماید: «خداوند مفهوم توحید را در پیشگاه تفکر و اندیشه روشن فرمود». (همان) ایشان در ادامه خطبه خداوند را از صفات بشری منزّه دانسته که اوج توحید و خداشناسی ایشان را نشان می‌دهد: «خداوندی که چشم‌ها نمی‌توانند او را بنگرند و زبان‌ها از وصف او عاجزند، وهم و خیال از درک ذات او فرو مانده‌اند، اشیای عالم را بدون اینکه چیزی موجود باشد آفرید،... آن‌گاه پاداش را بر اطاعت و بندگی و عذاب را در مخالفت و سرپیچی قرار داد تا بندگان را از عقوبت برهاند و به سوی بهشت سوق دهد». (همان)

۳-۱-۲- پاسداشت تکالیف و حدود الهی

عبودیت تنها مسیری است که انسان را به قرب الهی می‌رساند و متعلق به صفات الهی می‌سازد، از این رو سرلوحه برنامه تمام انبیاء علیهم‌السلام دعوت به عبودیت و بندگی خداوند بوده‌است: «...ان عبدواالله و اجتنبوا الطاغوت». در مصباح الشریعة از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمودند: «العبودیة جوهره کنهها الربوبیة»؛ «بندگی حقیقت و جوهره‌ای است که اساس و ذات آن ربوبیت است». (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ص ۷). لازمه عبودیت، پاسداشت حدود و تکالیف الهی است. حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها درباره این اصل در ارتباط با خداوند در خطبه فدکیه فرمودند: «انتم عباد الله نُصِبُ امره و نهیه»؛ «شما ای بندگان خدا مخاطب امر و نهی خداوند هستید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۲۰)، منظور تکلیف‌پذیری انسان است و این که آزاد و رها نیست. تکالیف، راهی برای رسیدن انسان به افق‌های متعالی است، بدون تکلیف رسیدن به مراحل معنوی ممکن نیست. سیره عبادی و تکلیف‌پذیری حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها سرشار از آموزه‌های نورانی است، در این باره آمده‌است: «قالت فاطمه الزهرا شغلنی عن مسئلته لذة خدمته، لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم»؛ «فاطمه زهرا فرمود: لذتی که از خدمت حضرت حق می‌برم مرا از هر خواهشی بازداشته است، حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر وجه کریم خداوند باشم». (محلّاتی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۱۰۵ و دشتی، ۱۳۶۷ش، ص ۸۳).

۳-۱-۳- شکر نعمات و عطایای الهی

راغب در مفردات می‌گوید: «شکر، همان تصور نعمت و اظهار آن است و نقطه مقابل آن کفر است که فراموشی نعمت و پوشاندن آن می‌باشد». (راغب اصفهانی، بی تا، ماده شکر) برخی برای شکر سه رکن قائل شده‌اند: معرفت به نعمت دهنده، حالت خضوع و خشوع نسبت به نعمت دهنده و عملی که ثمره این حالت باشد. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «شکر هر نعمتی پرهیز کردن از حرام‌های خداوند است». (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۳۰۱)

از سخنان حضرت زهراست که فرمودند: «یا رسول الله، الحمد لله علی نعمائه و الشکر علی آلائه»؛ «ای رسول خدا، حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست در برابر نعمتهای بیکران او» (دشتی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۴۴) و در سخنی دیگر: «و بشکره تُستوجبُ الزیادات»؛ «و تشکر از او موجب زیادی نعمت ها می شود». (ابن طاووس، ص ۲۵۱، ۱۳۸۷ش)

رفتاری سراسر در خور بندگی و سپاس از خداوند در رفتار و گفتار صدیقه طاهره سلام الله علیها وجود دارد؛ اسماء بنت عمیس می گوید: رسول خدا درب خانه فاطمه را کوبید و فرمود: حسن و حسین من کجا هستند؟ فاطمه زهرا فرمود: «اصبحنا و لیس غی بیتنا شیء...»؛ «صبح کردیم در حالی که چیزی در خانه ما نیست تا رفع گرسنگی نمایم و ما در هر حال خدای را سپاسگزاریم» (دشتی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۱۹). این مسئله به این نکته توجه می دهد که ممکن است فردی ادعای دینداری و خداواری داشته باشد اما در موقع سختی، نه تنها دیگر شاکر نعمات خداوند نباشد، بلکه زبان به شکایت هم بگشاید. ایشان معتقد بودند در کنار نعمات مادی باید نعمت های معنوی را نیز ارج نهاد از این رو می فرمود: «و له الشکر علی ما لهم»؛ «و سپاس مخصوص خداست بر آنچه به ما الهام نموده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۳-۱-۴- رضایت به خواست و قضای الهی

عبودیت خداوند، امری مقطعی یا جزئی نیست تا بنده خدا فقط در بخشی از زمان یا در برخی امور بندگی کند بلکه به علت دوام و ذاتی بودن نیاز، همیشگی و در همه امور و در نهایت درجه یعنی تسلیم است. باور واقعی به خداوند و اسمان به او وقتی است که انسان حکم خدا را بپذیرد و امر خود را به او تسلیم کند؛ «فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً ممّا قضیت و یسلموا تسلیماً»؛ (ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی آوردند مگر آن که تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده ای در دلهایشان احساس ناراحتی نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند» (سوره نساء، آیه ۶۵)

هر چه معرفت بنده نسبت به خدا بیشتر باشد تسلیم او نیز بیشتر و استوارتر خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «آگاه ترین مردم به خدا راضی ترین به حکم و تقدیر خداوند است». (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۶۰)

در روایتی آمده پس از این که رسول خدا ایشان را به شهادت فرزندش حسین علیه السلام در کربلا به دست بدترین افراد امت، خبر می دهد، حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند: «یا ابه سلمت و رضیت و توکلت علی الله»؛ «ای پدر، در برابر خواسته های خدا تسلیم و راضی ام و به خدا توکل کرده ام» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۶۴ و فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵)

فاطمه زهرا نه تنها کسی است که راضی است به رضای ربّ و غضیناک به غضب ربّ است، بلکه فاطمه در افق اعلی به جایی رسیده است که ربّ تبارک و تعالی هم راضی است به رضای فاطمه و غضب می کند به غضب فاطمه. از پیامبر اکرم روایت شده که فرمودند: «انّ الرب یرضی لرضا فاطمه و یغضب لغضب فاطمه»؛ «همانا خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از غضب او غضبناک می شود» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۵۴) این حدیث را بخاری که در صحت احادیث بسیار

محتاط است از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است و از طرفی ذهبی که از نقادترین افراد نسبت به احادیث است این حدیث را صحیح و معتبر دانسته و آن را به گونه‌ای دیگر روایت می‌کند.

۳-۱-۵- صبر و شکیبائی بر سختی‌ها و بلاها

از امام علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا فرمودند: «صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت، صبر در طاعت و صبر در معصیت» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۹۱). همچنین رسول خدا در خصوص نسبت صبر با ایمان هنگامی که از ایشان سؤال شد، ایمان چیست؟ فرمودند: صبر. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۱۲) ارزش صبر آن جا مشخص می‌شود که راههای دستیابی به صبر آشکار شود؛ زمینه رسیدن به مقام و درجه معنوی صبر، چند عامل مهم است که از جمله می‌توان به شناخت طبیعت زندگی دنیا، خودشناسی، توکل بر ذات حق، ایمان به قضا و قدر و دارا بودن نفس مطمئنه اشاره کرد. اگر انسان همه چیز خود را از خدا بداند و معتقد باشد دنیا دار فانی است و آزمایش های الهی او را مستعد زندگی جائدانه می‌کند، بداند و باور داشته باشد برای سنت الهی تبدیل و تحویلی نیست، دارای نفس مطمئنه ای خواهد شد که در برخورد با هر حادثه ای متزلزل نشده و استوار باقی می‌ماند و حضرت زهرا سلام الله علیها کسی است که در اوج مقام صبر است و صبر را نخستین گام در راه بندگی خدا دانسته در مقام صبر به درجه رضا واصل می‌شود، در برابر بی‌تعهدی سردمداران سقیفه در خطبه فدکیه می‌فرماید: «...نصبر فیکم علی مثل حز المدی و وجز السنان فی الحشاء...» «...صبر می‌کنم به مانند صبر کسی که کارد برنده ای در دل فرورفته دارد و نیزه کشنده ای بر گلو و در درون جان...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۹۳)

۳-۲- مؤلفه های معنویت در ارتباط با خلق

محور دیگر روابط انسان، رابطه با خلق خداست، انسانی که تنها به بعد مادی زندگی خویش توجه ندارد و علاوه بر مادیات به معنویات بها می‌دهد و زندگی را بدون توجه به بعد معنوی روح خویش و بدون پرداختن به معنویات پوچ و بیهوده می‌داند، در ارتباط با خلق خدا نیز توجه به بعد معنوی روابط خویش داشته و همواره مردم را مخلوق خالق خویش و نماینده و جانشین ربّ خود می‌داند، برای همه مردم کرامت ذاتی نفسانی قائل است که خداوند در وجود همه به ودیعه گذارده و معتقد است تنها عامل برتری رعایت حدود الهی و تقواست. لذا اعتقادات او در رفتار او نیز اثر گذاشته و منشاء مؤلفه‌های معنوی رفتاری خواهد شد. با مطالعه در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها نیز با مجموعه ای از رفتارها مواجه می‌شویم که آن‌ها را باید محصول عقاید و باورهای ایشان دانست. این رفتارها در این بخش، تحت عنوان مؤلفه‌های رفتاری معنوی حضرت زهرا در ارتباط با خلق خدا بررسی می‌شود.

۳-۲-۱- سخاوت و احسان

در جهانی که همه جا سخاوت حکمفرماست و همه روزی‌خوار خدای رحمانند بخیل بودن ناهماهنگی با عالم هستی است، کسی که با عالم معنا رابطه دارد به این باور رسیده است که در مقابل هر آنچه از خدا روزی می‌گیرد امانت داری بیش نیست، لذا از دارائیش در راه خدا می‌گذرد؛ زهرای مرضیه که در اوج معنویت در کنار سایر مردم زندگی می‌کرد، سخاوت را در گفتار و رفتار خویش به خوبی نمایان می‌ساخت و بخل را ناپسند می‌شمرد و می‌فرمود: «از بخل دورباش زیرا

بخل مرضی است که در شخص کریم وجود ندارد» (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴) او در سیره خویش این حقیقت را برای همه آشکار نمود که ملاک انفاق، دارایی نیست، بلکه توانایی است و با انفاق اموال انسان از دست نمی‌رود بلکه به دست می‌آید. دخت رسول خدا به انسان‌ها آموخت که با دارایی اندک نیز می‌توان با گذشتن از پیراهن عروسی (ابوعلم، ۱۳۹۰ق، ص ۱۳۸) یا بخشش گردن‌بند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۶، ۸۱، ۸۳ و ۸۶) و یا طعام و قرص نان مورد نیاز خود و خانواده (سوره هل اتی) دل‌ها و دیده‌هایی را به سوی آئین خود هدایت کرد و با معارف الهی پیوند زد. روزی آن‌چه از غنائم سهم علی علیه السلام شده بود برای رسول خدا فرستاد و پیام داد: «نقرأ علیک ابتکک السلام و تقول اجعل هذا فی سبیل الله؛ «دخترت به تو سلام می‌رساند و می‌گوید این‌ها را در راه خدا انفاق کن». پیامبر با مشاهده این بخشش کریمانه سه بار فرمودند: «فداها ابوها» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۰ و ۸۶)

۲-۲-۳- ایثار و از خودگذشتگی

ایثار که معنای آن ترجیح دیگران بر خود در عرصه‌های مختلف است شیوه همیشگی کوثر رسول الله بود؛ از این رو طبق تفاسیر، آیاتی همچون آیه شریفه «یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة»؛ «هر چند خود به چیزی نیازمند باشند، دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند»^۱ (سوره حشر، آیه ۹) و آیه «یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً»؛ «برای رضای خدا طعام خویش را به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند»^۲ (سوره انسان، آیه ۸) در شأن ایشان و خانواده ایشان نازل شده است. بینش معنوی و والای انسیه حوراء چنان بود که دست‌نیاز و صدای احتیاج مستمند را نیکی و نیکوکاری می‌نامید و برای آن‌که این توفیق خداداد را از خود و خانواده خود دور نکند، با گرسنگی خود و خانواده خود پیراهن خود را به سلمان داد تا گرو گذاشته مقداری طعام قرض بگیرد و به مستمند برساند و وقتی سلمان پیشنهاد داد قدری از طعام را برای فرزندان بردارد آن بانوی ایثارگر پاسخ داد: «یا سلمان، هذا شیء امضیناه عزّ و جلّ لساناً نأخذ منه شیئاً»؛ «ای سلمان، این کار را فقط برای خدا انجام دادیم و هرگز چیزی از آن برنخواهیم داشت». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۷۳)

۳-۲-۳- محبت، عطوفت و مهربانی

محبت از مهم‌ترین عوامل مؤثر در در رشد و تعالی رفتار و منش انسان به شمار می‌آید و نظام تربیتی اسلام به اصل محبت نگرش ویژه‌ای دارد. چنان‌که آن را بهترین عمل و در راستای جلب محبت خدا می‌داند. از آن‌جا که نیاز به محبت از صفات فطری انسان است و انسان همیشه زالب محبت دیدن و محبت کردن است، این مؤلفه تأثیر فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. حضرت زهرا که تربیت یافته مکتب محبت نبوی بود به پرورش شخصیت عاطفی فرزندان اهتمام جدی می‌ورزید، او آنان را چون دسته گل‌های علوی می‌دانست و می‌فرمود: «الولد ریحانة و ریحاتای الحسن و الحسین». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۸۱) سیره مهرورزانه حضرت زهرا نسبت به فرزندان خویش تا حدی بود که در لحظات پایانی عمر خویش، سخت نگران حال فرزندان خویش و محرومیت آنان از محبت مادری بود. علاوه بر فرزندان محبت ایشان

^۱ رک. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۱۹؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۱؛ تفسیر المنیر، ج ۲۸، ص ۷۸.

^۲ رک. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴۳؛ تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۳۶؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۵۷.

شامل خدمتکارش نیز می‌شد، ایشان نمی‌پسندید که همه کارها را بر دوش خدمتکار خویش بگذارد، لذا وظایف داخل خانه را تقسیم می‌کرد. (همان، ص ۲۸).

فاطمه سلام الله عليها همچون معلمی مهربان و دلسوز مرجع سوالات زنان مدینه بودند؛ زنی خدمت حضرت رسید و گفت مادرم مرا نزد شما فرستاده‌است تا پرسش‌های دینی او را مطرح کنم و پاسخ را نزد او ببرم. حضرت زهرا با خوشرویی و مهربانی فرمود: بپرس، آن زن یک به یک سوالات را می‌پرسید و پاسخ دریافت می‌کرد تا این که به ده پرسش و پاسخ رسید، از کثرت سوالات خجالت کشید، اما حضرت با کمال خوشرویی فرمود: «من نزد خدا اجیر شده‌ام که در مقابل هر سؤالی که به تو پاسخ می‌دهم مزد ارزشمندی را بگیرم... آیا با این مزد من از پاسخ خسته می‌شوم؟» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۰)

۳-۲-۴- خیرخواهی و دعا برای دیگران

نصیحت و خیرخواهی به معنای واقعی کلمه از اصول ادیان الهی به شمار می‌رود و همه پیامبران الهی بدان متصف بودند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند. خداوند متعال از خیرخواهی و دلسوزی پیامبر چنین یاد می‌کند: «لعلک باخع نفسک الاً یكونوا مؤمنین»؛ «گویا از شدت اندوه این که آن‌ها ایمان نمی‌آورند می‌خواهی جانت را از دست بدهی». (سوره شعرا، آیه ۳) انسان مؤمن و آخرت‌گرا نیز باید خود را در غم و شادی دیگر انسان‌ها شریک بداند و آن‌چه برای خود می‌خواهد برای دیگران نیز بخواهد، اهمیت این نحوه از خیرخواهی در حدی است که در روایات تأکید شده دانشمندان و آگاهان اگر از خیرخواهی امتناع ورزند و دیگران را راهنمایی نکنند خیانت پیشه‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «العلماء فی انفسهم خانه ان کتموا النصیحة»؛ «دانشمندان اگر نصیحت را کتمان کنند خائنند». (کلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۸، ص ۵۴)

از مصادیق بارز خیرخواهی دعا در حق دیگران است که موارد بسیاری در این مورد از سیره حضرت زهرا سلام الله عليها نقل شده است. ایشان دعا برای شیعیان را از نظر دور نمی‌دارند و می‌فرمایند: «الهی انت المُنی و فوق المُنی استلک ان لا تعذب محبّی و محبّی عترتی بالنار»؛ «خدایا تو امید من و بالاتر از امید من هستی، از تو می‌خواهم که دوستان من و دوستان خاندان مرا به آتش دوزخ عذاب نکنی». (همان، ج ۲۷، ص ۱۳۹؛ قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷)

اخبار و روایات بسیاری در مورد دعای حضرت زهرا در حق شیعیان وارد شده است؛ از روایت مشهور امام حسن علیه السلام از دعای مادر که فرمودند فرزندم «الجار ثم الدار»؛ «اول همسایه، سپس خانه» (صدوق، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۵) تا روایتی که نقل شده حضرت در لحظات پایانی عمر خویش دست‌ها را به سوی آسمان برآورد و چنین دعا کرد: «پروردگارا، به حق پیامبرانی که آن‌ها را برگزیدی و به گریه‌های حسن و حسین در فراق من، از تو می‌خواهم گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشائی» (دستی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۴۸) همه نشانگر نهایت خیرخواهی ایشان برای امت اسلام است که در آخرین لحظات هم در اندیشه هدایت و ارشاد مردم و شفاعت امت هستند.

۴- نتیجه گیری

معنویت و تبیین مؤلفه‌های آن از مباحث مهم و ضروری در حوزه مسائل زندگی انسان امروز به‌شمار می‌آید. از طرف دیگر در حوزه مسائل اخلاقی و سبک زندگی توجه به الگوهای موفق راهگشا هستند، لذا در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های معنویت در دو محور ارتباط با خداوند و ارتباط با خلق و با تأکید بر سیره حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها که حضرت حجت به عنوان اسوه برای خود معرفی نمودند و به طریق اولی اسوه و الگو برای سایر افراد می‌باشند، بررسی شد. بر این اساس شاخصه‌های توحید و خداباوری، شکرگزاری، صبر و رضا مؤلفه‌های معنوی اعتقادی و رفتاری در ارتباط با خداوند و مؤلفه‌های سخاوت و احسان، ایثار و از خودگذشتگی، محبت، عطف و مهربانی و خیرخواهی برای دیگران از مؤلفه‌های معنوی رفتاری می‌باشند.

فهرست منابع:

- ۱- ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، فلاح السائل، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ش.
- ۲- ابو علم، توفیق، اهل البیت، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۹۰ق.
- ۳- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ۴- دشتی، محمد، نهج الحیاء، فرهنگ سخنان حضرت زهرا (س)، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین (ع)، چ اول، ۱۳۶۷ش.
- ۵- دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، دارالقلم، بیروت، چ اول، بی تا.
- ۷- صدوق، محمد بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۸- -----، علل الشرایع، تصحیح شیخ حسین اعلمی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۹- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، به کوشش ابراهیم بهادری، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۱۰- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۱۱- قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان فی ذکر احوالات سیده نساء العالمین فاطمه الزهرا (س)، دارالحکمه، قم، ۱۴۱۲ق.
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح غفاری، دارصعب، بیروت، ۱۴۰۱ق.
- ۱۳- -----، فروع کافی، زیر نظر محمدحسین رحیمیان، نشر قدس، قم، ۱۳۸۸ش.
- ۱۴- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، جامعه مدرسین، قم، چ اول، ۱۴۱۰ق.
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.

- ۱۶- -----، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ۱۷- محلاتی، شیخ ذبیح الله، ریاحین الشریعة، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۸ش.
- ۱۸- محمدی‌ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم، ۱۳۸۸ش.
- ۱۹- مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، احادیث منسوب به امام صادق علیه‌السلام، ترجمه حسن مصطفوی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ش.